

## افزایش جریمه به کار گیری اتباع خارجی غیر مجاز فاقد مجوز کار

جریمه استفاده از نیروی کار غیرمجاز خارجی افزایش می‌یابد. این خبر رامدیرکل اشتغال اتباع خارجی وزارت تعاون، کار ورفاه اجتماعی داده و گفته، برخوردها با کارفرمایانی که متقاضی استفاده از نیروی کار غیرمجاز خارجی هستند، نسبت به گذشته شدیدتر خواهد شد. براساس گفته‌های علی اقبالی، جریمه به کار گماردن اتباع غیرمجاز در کارگاه‌ها و بنگاه‌های اقتصادی به میزان پنج برابر حداقل دستمزد روزانه تعیین شده است. ماده ۱۲۰ قانون کار به‌صراحت گفته، اتباع بیگانه نمی‌توانند در ایران مشغول به کار شوند مگر آنکه دارای روادیدورود با حق کار مشخص باشند یا مطابق قوانین و آیین‌نامه‌های مربوطه پروانه کار دریافت کنند.

یکشنبه ● ۲۵ فروردین ۱۳۹۸ ● شماره صد و نود و شش

ا ت ی ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

### تبعات فقدان نظام یکپارچه امداد اجتماعی در حوادث طبیعی

# درباره تاب‌آوری اجتماعی



ایرانی‌ها سال جدید را با پدیده ویرانگر سیل آغاز کردند، اگرچه مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد و دستگاه‌های اجرایی دست به اقدامات و فعالیت‌هایی در ارتباط با رفع آلام سیل‌زدگان زدند، اما فقدان نظام یکپارچه امداد اجتماعی و تکرار، تداخل و هم‌پوشانی فعالیت‌ها و ساختارهای موازی مضاعف از یک‌سو و خلأ پوشش و فقدان دسترسی به‌موقع و عادلانه به خدمات امدادی از سوی دیگر، بلبه‌ای انسانی بود که اثرات این بلبه طبیعی را دوچندان کرد. به‌موجب صدر ماده یک قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی «حمایت از همه افراد کشور در برابر رویدادهای طبیعی» از جمله وظایف نظام تامین اجتماعی قلمداد شده و در بند «ل» ماده مزبور «امدادونجات» یکی از امور مربوط به این نظام محسوب می‌شود. در بند «ج» ماده «۲» این قانون که به تفکیک قلمروهای بیمه‌ای، حمایتی و امدادی نظام جامع تامین اجتماعی می‌پردازد، امور امدادی را شامل امدادونجات در حوادث غیرمترقیه، دانسته است و در ماده «۵» قانون، اهداف و وظایف حوزه امدادی را به‌شرح زیر آورده است:

«ماده ۵- اهداف و وظایف حوزه امدادی به شرح زیر است:

الف- آماده‌سازی و هماهنگی سازمان‌ها و نهادهای ذی‌ربط برای ارائه فوری و کافی خدمات به آسیب‌دیدگان رویدادهای غیرمترقیه برای تامین نیازهای اولیه آسیب‌دیدگان از حوادث طبیعی شامل تغذیه، پوشاک و سرپناه موقت در چارچوب طرح امدادونجات کشور .

ب- پیش‌بینی سازوکارهای لازم برای امور مربوط به بازسازی کوتاه‌مدت یا همکاری سازمان‌های دولتی و غیردولتی و نهادهای مدنی .

تبصره- جمعیت هلال‌احمر جمهوری اسلامی ایران یک جمعیت غیردولتی است که براساس اساس نامه مصوب مجلس شورای اسلامی فعالیت می‌کند.»

شاید بتوان گفت یکی از حلقه‌های مفقوده نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی کشور، غفلت نسبت به حوزه امدادی است که شامل «امداد حوادث» و «امداد اجتماعی» است. متأسفانه پس از تصویب قانون یادشده و به این اعتبار که سازمان هلال‌احمر جمهوری اسلامی ایران یک NGO بین‌المللی است، حوزه امدادی در زیرمجموعه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی سامان نیافت و با استناد ناصحیح به تبصره ذیل ماده «۵» صدرالذکر عملاً طرح جامع امدادونجات و قلمرو امدادی نظام جامع رفاه و

تامین اجتماعی به یک سو نهاده شد.

البته در خلال این سال‌ها ساختارهای موازی و مضاعف دیگری نیز نظیر ستاد مدیریت بحران حوادث، سازمان پدافند غیرعامل، سازمان اجتماعی کشور و... نیز ایجاد شد بدون اینکه تقسیم کار اصولی بین این مجموعه‌ها شکل گیرد و در ذیل نظام رفاه و تامین اجتماعی سامان یابد. به‌ویژه آنکه بایستی این ساختارها و نهادها در طول یکدیگر قرار می‌گرفتند نه اینکه در عرض همدیگر و بدون تقسیم کار اصولی و علمی به فعالیت‌های موازی بپردازند. هریک از این دستگاه‌های اجرایی و نهادهای می‌توانند در قالب قلمرو امدادی نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی در سه مرحله «پیشابحران» (پیشگیری، مدیریت ریسک و بیمه، مقاومت‌سازی، مصون‌سازی، پیش‌آگهی، هشدار، آموزش، مانور و...)، «هنگام بحران» (تجسس و نجات، انتقال به نقطه امن، تامین سرپناه موقت، پوشاک و غذا، اورژانس پزشکی و درمانی، تثبیت وضعیت، شناسایی و...) و «پسابحران» (امداد اجتماعی، بازسازی و نوسازی، تامین مایحتاج اولیه، تامین کالاهای اساسی، درمان و توان‌بخشی، توانمندسازی و بازاجتماعی شدن، اعطای تسهیلات و...) نقش خود را در حیطه «امداد حوادث» و «امداد اجتماعی» ایفا کنند.

بر این اساس و با شکل‌گیری نظام چندلایه‌تامین اجتماعی که نقطه عزیمت آن، «لایه امدادی» است یک پایگاه اطلاعات و سامانه و پنجره واحد خدمات رفاه و تامین اجتماعی که براساس کد ملی و کدپستی شکل گرفته و محل سکونت و اشتغال افراد در آن مشخص است، می‌توان در زمان پیش‌بینی یا وقوع بحران دقیقاً مشخص کرد که چه خانواده‌ها و افرادی در منطقه حادثه زندگی می‌کردند، سکونت یا اشتغال داشته‌اند. برای صحه‌گذاری و تصدیق اطلاعات مزبور و احصای مشخصات تمامی افرادی که در زمان وقوع حادثه در محل حضور داشته‌اند نیز می‌توان از آخرین تراکنش‌های بیمه‌ای، بانکی، مخابراتی (تلفن همراه) استفاده کرد که بدین ترتیب فهرست افراد و خانوارهایی که در معرض آسیب بوده‌اند استخراج می‌شود و مبنای ارائه خدمات امدادی قرار می‌گیرد. پُرواضح است که پایگاه اطلاعات مزبور علاوه بر دارا بودن فیلدهای معمول و عرفی نظیر مشخصات سجلی، شماره شناسنامه و کدملی، کدپستی، شماره بیمه‌شده یا مددجو و... باید دارای فیلد اثرائت‌گشت افراد باشد، چراکه نمی‌توان انتظار داشت افراد در حین حادثه یا فرار از حادثه بتوانند مدارک سجلی و شناسایی خود را به همراه داشته باشند و چه بسا مدارک مزبور در اثر حادثه از بین رفته باشد یا در دسترس فرد حادثه‌دیده نباشد.



## کتیفو ۰۵



حاکمیت با این وزارتخانه و عدم پذیرش نقش و جایگاه آن، کم‌اثر یا کم‌فروغ مانده است.

بدین ترتیب که وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی همواره، به‌ویژه در سیل اخیر پیشقدم و پیشگام بوده است و با بسیج منابع و امکانات در اختیار، به کمک آسیب‌دیدگان

پرداخته است، اما ظرفیت‌ها، امکانات به‌ویژه منابع مالی حوزه امدادی به‌طور کامل در حیطه اختیار این وزارتخانه نبوده است و وحدت فرماندهی و هم‌راستایی و انسجام و یکپارچگی فعالیت‌ها رخ نداده است در حالی که به‌موجب مواد ۶ و ۷ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی، هرگونه بهره‌مندی از منابع، اعتبارات و بودجه‌های دولتی و عمومی برای حوزه‌های امدادی، حمایتی و بیمه‌ای و حتی کمک‌های داوطلبانه (بند «ه» ماده ۶) بایستی در چهارچوب نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی و تحت نظارت و راهبری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی صورت گیرد. خوشبختانه با تدبیر وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی مقدمات تشکیل مستمر جلسات شورای عالی رفاه و تامین اجتماعی، ساماندهی شوراهای راهبردی-تخصصی حوزه های امدادی، حمایتی و بیمه‌ای ذیل شورای عالی مزبور و تقویت دبیرخانه آن تههید و تدارک شده است و می‌توان امیدوار بود که ساماندهی امور امدادی از طریق ایجاد این شورای بین‌بخشی تحقق یابد.

مشاور وزیر و مسئول هماهنگی دبیرخانه شورای عالی رفاه و تامین اجتماعی

در چنین شرایطی است که می‌توان از دسترسی به‌موقع و عادلانه افراد حادثه‌دیده به خدمات امدادی، حمایتی و بیمه‌ای اطمینان حاصل کرد و از توزیع مناسب و متناسب منابع، امکانات و ظرفیت‌های تدارک‌شده دولتی به همراه مشارکت‌های مردمی اطمینان حاصل کرد.

یکی از مشخصه‌های بارز دولت‌های قوی‌القوی که قوت و قدرت خود را در همه عرصه‌های نظامی، امنیتی، اطلاعاتی، اقتصادی، فرهنگی، به‌ویژه اجتماعی به رخ می‌کشند، موضوع «تاب‌آوری» (Resilient) است که باید در همه عرصه‌های موصوف وجود داشته باشند و از همه مهمتر و تأثیرگذارتر «تاب‌آوری اجتماعی» است. به‌طور کلی اجرای کامل و دقیق قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی و شکل‌گیری نظام چندلایه تامین اجتماعی در قلمروهای امدادی، حمایتی و بیمه‌ای منجر به ایجاد و ارتقای «تاب‌آوری اجتماعی» جامه می‌شود و عدم توجه به این حوزه می‌تواند عوارض و تبعات نامساعدی را به‌دنبال داشته باشد. طی سال‌های اخیر به «تاب‌آوری» در عرصه‌های امنیتی، نظامی، اقتصادی، فضای مجازی، فرهنگی و... توجه شده و منابع، امکانات و ظرفیت‌های جاگانه و ممتازی برای آن اختصاص یافته، اما در حوزه تاب‌آوری اجتماعی کاری درخور و شایسته به‌طور یکپارچه و منسجم انجام نشده است و فعالیت‌ها و تلاش‌های انجام شده از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به‌علت عدم تبعیت و همراهی سایر بخش‌های

## لزوم حمایت از کارگران مناطق سیل‌زده



یکی از مشکلاتی که بعد از وقوع بلایای طبیعی در مناطق سیل‌زده، بروز می‌کند، مشکلات بیکاری و افزایش درصد بیکاران این مناطق است. در مناطق سیل‌زده امکانات و تجهیزات صنایع از میان می‌رود و بنگاه‌ها برای مدت‌مدیدی به حالت تعطیل و نیمه‌تعطیل درمی‌آیند. در سیل اخیر که دامنه‌تأثیر آن در استان خوزستان کماکان ادامه دارد، برخی صنایع در بلائکلیفی به‌سمر می‌برند، چراکه با وجود از بین رفتن کارخانه، راه‌های ارتباطی از بین رفته نیروی کار آن‌ها امکان حضور در محل کار را ندارد یا مواد اولیه و محصول نهایی امکان بارگیری و حمل‌ونقل به بازار را ندارد. حتی با فرض اینکه بنگاه، بیمه بوده و خسارت آن در سریع‌ترین زمان ممکن جبران شود باز هم بازگشت نیروی کار به‌بنگاه، مدت‌زمانی طول خواهد کشید. هرچند کمک‌های مردمی و کمک‌های نهادهای حمایتی می‌تواند برای مقطعی تسکین درد کارگران و نیروی کار باشد، اما سازمان تامین اجتماعی به‌عنوان نهادی که به‌طور مشخص با کارگران سروکار دارد و مسئولیت پیگیری حقوق آن‌ها را برعهده گرفته، در این راستا نقش اثرگذاری دارد. منابع این سازمان محدود است



### هدایت منابع

### صندوق توسعه ملی

### به سمت احیای اشتغال

هرچند واحدهای صنعتی و تولیدی در مناطق سیل‌زده متحمل هزاران میلیارد خسارت شده‌اند که جبران آن، سخت و زمانبر است، اما در عوض ضرورتی که برای بازسازی این صنایع و ساخت‌وساز راه‌ها و مسکن‌های تخریب شده به‌وجود آمده است، فرصت اشتغال مناسبی را برای کارگران به‌ویژه کارگران ساختمانی ایجاد می‌کند. مسئله اساسی مناطق سیل‌زده، بی‌توجهی مردم به بیمه و فقدان پوشش بیمه‌ای مسکن و مشاغل این مناطق است که شاید اگر کمک‌های دولت و عزم صنعت بیمه نباشد، راهی برای جبران خسارت وجود نداشته باشد. هرچند دولت تسهیلات میلیونی ارزان‌قیمت و مقداری هم‌تسهیلات بلاعوض برای بازسازی منازل در نظر گرفته که فارغ از پرداخت حق بیمه سیل‌زدگان و واحدهای خسارت‌دیده، کمک‌حال مردم است، اما توقع بسیاری از مردم سیل‌زده که دولت آن‌ها را در اولویت تخصیص منابع قرار داده، جبران عمده خسارت‌ها یا بازکردن راه این جبران است. یکی از این راه‌ها، سرعت‌بخشی در احیای واحدهای تولیدی و صنعتی این مناطق، همچنین کمک به آن‌ها برای گسترش فعالیت‌هایشان است. سرعت بازسازی و احیای واحدهای صنعتی و صنفی، هم بسیاری از نیروهای کار را شاغل می‌کند و هم فرصتی است برای ایجاد اشتغال جدید و‌گرنه باید منتظر مهاجرت صنعتگران و تولیدکنندگان این مناطق باشیم که سیل و عواقب آن، موجی از یاس و ناامیدی را در میان آن‌ها حاکم کرده است. در این شرایط برخی از این تولیدکنندگان شاید ترجیح بدهند دست از فعالیت برداشته یا به کاری بپردازند که عایدی برای نیروی کار ندارد، بنابراین مشوق بیمه‌ای و مالیاتی این صنایع نه تنها لازم است و دولت تا حدودی آن را در نظر گرفته، بلکه بهبود فضای کسب‌وکار در این مناطق و سرعت‌بخشی به راه‌اندازی و احیای دوباره صنایع، یکی از ضروریات است. هرچند حذف قوانین دست‌وپاگیر و زائد از این مناطق زمان می‌برد، اما لازم است، اولویت فعلی دولت حذف این قوانین و بهبود محیط کسب‌وکار در مناطق سیل‌زده باشد. منابعی که قرار است از صندوق توسعه ملی صرف سیل‌زدگان شود و بانک مرکزی آن را جزء ملزومات حمایت از سیل‌زدگان قرار داده است، باید در جهت ایجاد شغل و اشتغال‌زایی باشد و‌گرنه توزیع بی‌هدف و برنامه آن، در بلندمدت کمکی به حال این مناطق نکرده و آن‌ها را از بحران بیکاری رها نخواهد کرد. می‌دانیم که عمده هدف ایجاد صندوق توسعه ملی، حفظ و تقویت ذخایر ارزی و به‌کارگیری آن‌ها به منظور توانمندسازی بخش خصوصی بوده است تا این بخش بتواند تولید و اشتغال را در کشور رونق دهد. اکنون اگر منابع این صندوق را صرفا به پرداخت کمک‌ها و تسهیلات معیشتی به سیل‌زدگان اختصاص دهیم، منابع این صندوق را دچار انحراف کرده‌ایم. بهترین کمک به سیل‌زدگان، کمک به احیای اشتغال و تولید در این مناطق است و منابع صندوق توسعه ملی نیز باید به کارآفرینان و افرادی سپرده شود که سابقه فعالیت اقتصادی -اعم از کشاورزی، دامداری، صنعتی و تجاری- در این مناطق را دارند و اکنون نیازمند یاری برای راه‌اندازی مجدد و توسعه فعالیت‌های خود هستند. همان‌طور که رئیس کل بانک مرکزی نیز اخیرا اشاره کردند تبدیل بخشی از منابع صندوق توسعه ملی به ربال توسط این بانک و هدایت این منابع رایلی به جبران خسارات سیل از طریق بازسازی زیرساخت‌ها و کارخانه‌ها و دیگر فعالیت‌های مولد اقتصادی، اثر مثبت قابل توجهی به بازار ارز خواهد داشت و سیاست تعادل بخشی بانک مرکزی در بازار ارز را قوت خواهد بخشید.

کارشناس اقتصادی

## روی دیگر سکه سیل



در حال حاضر برآوردهایی که از میزان خسارت‌های ناشی از سیل، می‌شود، برآوردهای مطمئنی نیست، اما براساس آنچه از کلیت خسارت‌ها می‌توان گفت؛ خسارت سیل حدود ۵۰ تا ۵۷ هزار میلیارد تومان ذکر شده است و از این میزان حدود ۱۰ تا ۱۵ هزار میلیارد تومان آن مربوط به بخش کشاورزی بوده است. فراموش نکنیم سکه سیلاب‌ها برای اقتصاد ایران روی دیگری نیز دارد. در بخش کشاورزی، از سیل هم می‌توان به‌عنوان فرصت و هم به‌عنوان تهدید یاد کرد. منظور از تهدید، از بین رفتن بسیاری از زیرساخت‌های بخش کشاورزی و از بین رفتن باغات، نهاده‌ها و محصولات این بخش است. اما در مقابل، بارش‌های زیاد، مشکلات کشاورزی در بخش کمبود آب را حل خواهد کرد. با این حجم از بارندگی، تمامی سدها عملاً پُر شده و حداقل مسئله کم‌آبی در کشور تا سه سال آینده مرتفع شده است. بارش‌ها خود به حاصلخیزی بیشتر و رفع مشکلات کشاورزان منجر می‌شود و در آینده و بعد از ساخت و ترمیم زیرساخت‌ها و پوشش خرابی‌ها،

کارشناس اقتصادی